

مبارزه طبقاتی در مصر

سه روز بعد از سقوط بن‌علی در تونس یک معترض مصری نیز در هفدهم ژانویه خود را آتش زد. بدین‌سان شعله‌های آتشی که عزیزبو در تونس به جان خویش افکند، سراسر مصر را نیز به کام خویش کشید. اما خودسوزی مایوسانه انسانها هیچگاه راهگشای نبرد نبوده است. این روند رو به رشد مبارزه طبقاتی است که در وقایعی بسیار ناهمگون و غیرمترقبه تجلی می‌یابد، خودسوزی قربانیان بی‌عدالتی نظام موجود را نیز باید از این دریچه نگریست. محرک اصلی این خیزش‌ها اعتراضات کارگری است. اعتراضاتی که در ژوئن 2010 با کشته شدن عزیز خالد در اسکندریه به تظاهرات سراسری انجامید، مصر را تبدیل به میدان نمایش قدرت همبستگی کارگران و توده‌های زحمتکش کرد. مراکز و اماکن دولتی یکی پس از دیگر در محاضره توده‌های خشمگین قرار گرفت و سرانجام با قدرت‌نمایی میلیونی بیست‌وهشتم ژانویه، حسنی مبارک بطور رسمی آمادگی حاکمیت برای تغییرات از بالا و اصلاحات را اعلام کرد. اما اعلام آمادگی مبارک برای اصلاحات و گزینش عمر سلیمان به معاونت خویش نه تنها موجب فروکش خیزش اعتراضی نگشت، بلکه راه را برای پیشروی خیزش اعتراضی گشود.

گسترش برق‌آسای خیزش توده‌ای، کارشنان محافل امپریالیستی را سرا سیمه کرد. کاخ سفید و سخنگویان ریزدرشت متحدانش لزوم اعمال اصلاحات از بالا را به‌کرار جار می‌زنند. مذاکرات پشت‌پرده برای سد کردن موج خیزش‌ها بشدت جریان دارد. بعنوان نشانه‌ای از این مذاکرات و سرانجام بعد از هجده روز نبرد سراسر، مبارک از قدرت کناره گرفت. مرحله بعدی این روند، یعنی به میدان کشاندن ارتش و آغاز پروسه جابجایی مهره‌ها نیز بسرعت پیش می‌رود. رسانه‌های حاکم نیز در حال «تراشیدن چهره‌های آلترناتیو» جهت نشان دادن مهره‌ها بر شانه استعمارشوندگان عاصی هستند. تشکل‌ها و مهره‌های مطلوب محافل امپریالیستی، یکی بعد از دیگری بعنوان رهبران و پیشروان «جنبش اصلاحات مصر» بر امواج صوتی و تصویری رسانه‌ها بر اذهان عمومی حفته می‌شوند. به رغم هیاهوی ریاکارانه سیاستمداران در باره معجزه توییتر، برای تحقیر قدرت واقعی کارگران و توده‌های میلیونی و برغم موفقیت طبقه حاکم به سوق دادن خیزش عمومی بسوی تحولات سیاسی از بالا، فصل نویی از مبارزه طبقاتی در مصر آغاز گشته است.

اعتراضات کارگری مصر از سال 2005 رو به اوج بوده و در سالهای اخیر به بالاترین حد خود رسید. در سال 2008 بیش از بیست‌هزار کارگر محله ال‌اکبر در اعتراض به وخیم‌تر شدن وضع معیشت کارگران دست به تظاهرات زده و دیگر هم‌طبقه‌ای‌های خود را به اعتصاب عمومی فراخواندند. این اعتراضات به جدال تن‌به‌تن کارگران با نیروهای امنیتی انجامید و موجی از اعتراضات کارگری را دامن زد. اشغال میدان اصلی محله توسط کارگران و خانواده‌هایشان و حضور چشمگیر زنان و جوانان در این اعتراضات کارگر که بعدها به جنبش شش آوریل مشهور گشت توازن مبارزه را به نفع طبقه کارگر رقم زد و جنبش کارگری مصر را به فاز نویی از تشکلیابی و طرح خواسته‌های سیاسی گشاند. برش از فدراسیون اتحادیه‌های کارگر مصر و شکل‌گیری هیات‌های منتخب و یا کمیته‌های اعتصاب از یکسو و ظهور شعارهای ضدحکومتی در صفوف کارگران معترض طی دو سال اخیر تجلی همین تغییر توازن قوا در مبارزه طبقاتی بود. امری که در خیزش اعتراضی مصر بوضوح خودنمایی کرد. حضور وسیع کارگران فلزکار شهر سوئز در این اعتراضات، اشغال مرکز حزب مبارک و ستاد پلیس در این شهر اوج اقداماتی بود که کارگران از سالها پیش آغاز کرده بودند.

استحاله جنبش کارگری در جنبش توده‌ای ضد استبدادی پیش از آنکه نشانگر موفقیت طبقه اکم در اصلاحات از بالا باشد، بیانگر غیاب آلترناتیو طبقاتی در مبارزه سیاسی است. مبارزه‌ای که در دنیای امروز، بیش از هر زمان دیگری خصلتی فراملی و فراقومی دارد. طبقه کارگر و زحمتکشان در مصر، همانند تونس و دیگر کشورهای آفریقای شمالی و آسیای غربی فصل نویی از مبارزه را آغاز کرده‌اند. این تحول تاریخی، پاسخ عینی طبقه کارگر به بحران خانمان برانداز سرمایه و اقدامی مستقیم بر علیه مدافعان و سازماندهندگان این نظام است. بحران سیاسی در بالا و جدال‌های جناح‌های حاکم، تنش میان اتحادیه‌های کارگری و ظهور تدریجی گرایش‌های انقلابی در جنبش کارگری کم‌ترین دستاوردهای این خیزش تاریخی خواهد بود.

تشکیلات کارگران انترناسیونالیست